



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرفه بريته محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الأرضين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

موضوع بحث ما در این شب‌های متبرکه، امامت در صحیفه سجادیه است.

مکرراً از بنده سؤال شده که آیا امام سجاد علیه الصلاة والسلام در دعاهایشان راجع به اهل بیت علیهم الصلاة والسلام مطالبی دارند یا نه؟

آیا صحت دارد که امام علیه الصلاة والسلام درباره صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دعا کرده‌اند یا نه؟ بنده در جواب عرض کردم: بله. امام سجاد علیه الصلاة والسلام در صحیفه سجادیه در رابطه با اهل بیت علیهم الصلاة والسلام و مقاماتشان فرمایشاتی دارند. و البته یکی از دعاهای ایشان در رابطه با صحابه پیغمبر است. از بنده توضیح این مطلب خواسته شده و اخیراً پیشنهاد شد که در این شب‌ها راجع به این موضوع صحبت کنم. مقدمتاً قصد داشتم که راجع به امام سجاد علیه الصلاة والسلام در خصوص بحث امامت و نقش ایشان در امامت اهل بیت علیهم الصلاة والسلام، و همچنین در رابطه با صحیفه سجادیه و اصولاً راجع به دعا به طور کلی قصد داشتم مطالبی را عرض کنم. اما به دلیل اینکه می‌خواهم زودتر وارد بحث بشویم، اکتفا می‌کنم به چند کلمه فقط. بنده در شرح کتاب منهاج الكرامة مرحوم علامه حلی، راجع به امام سجاد علیه الصلاة والسلام مطالبی را نوشته‌ام. مقام امام سجاد علیه الصلاة والسلام طور است که حتی بزرگان متعصبین اهل سنت نسبت به ایشان تجلیل می‌کنند. از جمله کلماتی که در اینجا است عبارت ذهبی را می‌خوانم که ذهبی از بزرگان اهل سنت است و از شاگردان ابن تیمیة است. وقتی احوالات امام سجاد علیه الصلاة والسلام را متعرض می‌شود، می‌گوید: كان أهلاً للإمامة العظمى این جمله بسیار پرمعناست.

مستحضر هستید که در مباحث امامت ما گفته‌ایم که مشهورترین تعریفی که برای امامت در کتب فریقین است، این است که: الإمامة نيابة عامة في أمور الدين والدنيا لشخص من الأشخاص نيابة عن النبي. این تعریف مورد قبول فریقین می‌باشد.

کلام ذهبی معنایش این است که: این تعریف از نظر آنها که مثل ذهبی از متعصبین هستند، این تعریف بر امام سجاد علیه الصلاة والسلام مصداقیت تمام دارد و منطبق است تماماً.

اگر در امام علم شرط است، امام علیه الصلاة والسلام دارای همان علم هستند. اگر در امام شجاعت شرط است، در امام سجاد علیه الصلاة والسلام موجود است. اگر از نظر آنها عدالت شرط است، خیر؛ عصمت در امام سجاد علیه



الصلاة والسلام موجود است و ایشان معصوم هستند. قهراً مقام امام سجاد علیه الصلاة والسلام مقامی است مثل باقی ائمه علیهم الصلاة والسلام.

و اشکال وارد می‌شود به اهل سنت که شما که امامت را با اجماع اهل حل و عقد می‌دانید، و اهل حل و عقد باید اختیار کنند و انتخاب کنند امام را، پس اگر امام سجاد علیه الصلاة والسلام کان أهلاً للإمامة العظمی، چرا اهل حل و عقد بیعت نکردند با ایشان؟ و بیعت کردن یا نکردند با یزید و مروانیان؟

این اشکال، اشکال بسیار مهمی است که آنها باید پاسخگو باشند. با توجه به این اقراری که در مورد مقام امام سجاد علیه الصلاة والسلام دارند، و با توجه به مبنایشان که نصب امام به ید خلق است، و اهل حل و عقد بیعت بکنند، چرا آنها با امام سجاد علیه الصلاة والسلام بیعت نکردند؟ و چرا قائل شدن به امامت دیگران از فسقه و فجره که قطعاً به اقرار همه مسلمین آنها فاقد همه صفات معتبره در امام بودند؟

آیا جوابی دارند برای این سؤال؟

امام سجاد علیه الصلاة والسلام همان برنامه‌ای را که سیدالشهداء علیه الصلاة والسلام داشتند که: *إنما خرجت لطلب الإصلاح فی أمة جدی، دقیقاً همین برنامه را امام سجاد علیه الصلاة والسلام داشتند.*

اما در آن مقطعی که اسیر بودند و در شام بودند، در کتاب *ناگفته‌هایی از حقایق عاشورا*، مطالبی را آنجا در رابطه با امام سجاد علیه الصلاة والسلام گفته‌ام و مراجعه کنید که چه کردند امام سجاد علیه الصلاة والسلام. که نتیجتاً آنجا نوشتیم در همان ایام، مقدمات شورش بر علیه بنی امیه تحقق پیدا کرد. در برخی از پادگان‌های شام و سربازان یزید، در آنجا ولوله پیدا شد. در آنجا نوشتیم و با منابع معتبر قضیه را بیان کرده‌ام.

این‌ها به برکات امام سجاد علیه الصلاة والسلام و البته حضرت زینب سلام الله علیها بوده است.

از آن طرف امام سجاد علیه الصلاة والسلام، شاگردان فراوانی را در باب علم کلام و مسائل امامت تربیت کرده‌اند. شما ملاحظه کنید در اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام، کسانی بودند که این‌ها شاگرد امام سجاد علیه الصلاة والسلام بوده‌اند.

در اصول کافی در روایتی که روایت می‌کنند: شخصی از شام آمد و در مقام مناظره بود با امام صادق و شاگردان ایشان، از جمله کسانی که در جلسه بود قیس بن ماصر بوده است. که قیس بن ماصر کسی است که در رابطه با او نوشتن از شاگردان امام سجاد علیه الصلاة والسلام بوده است در علم کلام.

و البته یکی از آثار و برکات امام سجاد علیه الصلاة والسلام و تراثی که از ایشان به ما رسیده است، همین صحیفه سجادیه است.



در صحیفه سجّادیه حقایق دین را امام سجّاد علیه الصلاة و السلام در قالب دعا بیان فرمودند.

شما اگر دقت کنید می بینید تطابق کامل را بین قرآن و نهج البلاغه و صحیفه سجّادیه در ارائه حقایق دینی و معارف اسلام.

از آن طرف تمام اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام در فرمایشاتشان با هم تطابق و توافق دارند. و لذا می بینید در برخی از مطالبی که خواهیم خواند از صحیفه سجّادیه در رابطه با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام، در زیارت جامعه هم آمده است. که زیارت جامعه از امام هادی علیه الصلاة والسلام صادر شده است.

در خصوص مباحث امامت که موضوع بحث ماست، کافیت که به دو ادعیه امام سجّاد علیه الصلاة والسلام، نظر کنیم: دعای چهارم و دعای چهل و هفتم.

در دعای چهارم عنوان دعا این است که: **كَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى اتِّبَاعِ الرُّسُلِ وَمُصَدِّقِهِمْ.** که امام علیه الصلاة و السلام دعا می کردند اتباع انبیاء و مرسلین را. یاران پیغمبران الهی را دعا کردند و برای آنها درود فرستاده اند. این یکی از کارهای امام سجّاد علیه الصلاة والسلام است.

بنابراین کسی نگوید که: امام سجّاد علیه الصلاة والسلام بعد از سیدالشهداء علیه الصلاة والسلام، در خانه شان را بستند و خانه نشین بودند. این درست نیست.

امام سجّاد علیه الصلاة والسلام هم کار سیدالشهداء علیه الصلاة والسلام را ادامه دادند، هم در مقطع اسارتشان و هم در زمانی که در مدینه بودند، امر به معروف و نهی از منکرشان ادامه داشته است، برنامه هایشان ادامه داشته است در تربیت شاگردان.

کسی نگوید که کار امام سجّاد علیه الصلاة والسلام فقط دعا خواندن بوده است. و دعا کردند. که در خانه شان را بستند و فقط دعا می کردند. نه اینطور نیست.

این چند کلمه اشاره بود و الا اگر بخواهم شرح بدهم کارهای امام سجّاد علیه الصلاة والسلام را و برنامه هایشان را، جلسات خاص خودش را لازم دارد.

در این دعای چهارم که عنوانش را خواندم حضرت می فرماید: **اللَّهُمَّ وَ اتَّبَاعُ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَ الْأَشْتِاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ.**



امام علیه الصلاة والسلام اتباع رسل الهی را و آنهایی که پیغمبران را تصدیق کردند و یاری دادند من أهل الأرض، به خاطر این است که ملائکه الهی هم انبیاء را یاری دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در واقعه بدر انبیاء هم کمک کردند و به نصرتشان آمدند.

فعلاً امام علیه الصلاة والسلام می خواهند آن یاران فی الأرض را مورد دعایشان قرار بدهند. مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضَةِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ آنهایی که یاری کردند انبیاء و رسل الهی را حتی در غیر حضورشان و در غیر محضرشان یاری دادند. به گونه ای این افراد مصدق انبیاء و رسل بودند، که به تعبیر ما مواجهه می کردند با مکذبین و معاندین و با آنها معارضه می کردند.

وَالِاشْتِاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ کلمه اشتیاق نسخه بدل دارد و آن اشتیاق است. که به نظر من کلمه اشتیاق بهتر است. یعنی خداوند آن کسانی که اشتیاق کردن یعنی سبقت گرفتند و آمدند به سوی انبیاء و رسل، و با ایمان حقیقی تمام، با اعتقاد قطعی آمدند و تبعیت کردند و مصدق بودند.

فی کل دهر و زمان از روز اول تمام کسانی که انبیاء و رسل الهی را تصدیق کردند، حضرت می خواهند آنان را دعا کنند.

فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى، عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامُ، فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ.

بعد می فرماید: اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً. و از اینجا به بعد شروع می شود فرمایشاتشان در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

بنابراین تا اینجا اتباع و مصدقین رسل دو گروه شدند:

۱. مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى.

۲. اللَّهُمَّ وَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً.

این دو گروه را باید در اینجا شناسایی کنیم.

گروه اول: مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى کلمه من در اینجا بیانیه است. که چه کسانی اتباع و مصدقین انبیاء و رسل بوده اند؟ مِنْ أُمَّةِ الْهُدَى، وَ قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى. این برمی گردد به اهل بیت علیهم الصلاة والسلام. از اینجا به بعد مطلب برمی گردد به اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.



ما برای شناسایی ائمه علیهم الصلاة والسلام، از کتاب صحیفه سجادیه و دعاهاى حضرت، باید برگردیم به دعای چهارم. که در دعای چهارم امام سجاد علیه الصلاة والسلام شرح می دهند و بیان می کنند که **أئمة الهدى، وقادة أهل التقى** چه کسانی هستند.

بنابراین فرمایش امام سجاد علیه الصلاة والسلام تا اینجا این شد که: خدایا اختصاص بده مرحمت خودت را رحمت خودت را رضوان خودت را به آنهایی که از پیامبران الهی و انبیاء خداوند متعال تبعیت کردند تصدیق کردند یاری دادند، که آنها ائمه الهدی و صحابه هستند. ائمه الهدی یک عنوان یاران پیغمبر یک عنوان. ائمه الهدی اهل بیت و صحابه یاران پیغمبر که عبارات حضرت را خواهیم خواند.

عبارت: **أئمة الهدى، وقادة أهل التقى**، یعنی چه؟

معنا واضح است و لکن بنده به مناسبت، مطالبی را عرض می کنم. و الا عبارت ابهامی ندارد که نیاز به شرح داشته باشد.

اهل بیت علیهم الصلاة والسلام پیروان پیغمبرند. و راهنمایان امت اند بعد از پیامبر اکرم. هدی در مقابل ضلالت است. ائمه یعنی رهبران. هدی یعنی در مقابل ضلالت.

در قرآن وقتی دقت کنیم می بینیم که دو گونه امام ذکر شده است: ائمه هدی و ائمه کفر. در قرآن به همین عبارت آمده است. و ائمه علیهم الصلاة والسلام ائمه هدی هستند. رهبران اهل تقوا هستند.

ملاحظه کنید در طول تاریخ اسلام تا روز قیامت، هر کسی که اهل تقوا باشند و در هر مرتبه از تقوا باشند، بدانید که شاگرد مکتب اهل بیت است نه شاگرد مکتب صحابه. اینها از تقوا مقداری نصیبشان شده است در هر مرتبه ای تا برسد به آن مراتب عالی، اینها در مکتب اهل بیت تربیت شده اند. و شاگردان اهل بیت هستند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر می خواهید گمراه نشوید و در راه هدایت استوار باشید، تمسک کنید بعد از من به قرآن و عترت. **وإنهما لن یفترقا حتی یرض علی الحوض**. تا وقتی قرآن هست رهبری از اهل بیت علیهم السلام برای هدایت امت وجود دارد.

و لذا به این حدیث شریف که متواتر هست و از طرق طریقین به تواتر رسیده است، تمسک می کنیم بر وجود امام زمان ارواحنا لئراب مقدمه الفدا در این عصر و زمان. علاوه بر احادیث و روایات دیگر؛ زیرا در هر زمانی هدایت و ضلالت هست.

در شرح زیارت جامعه بیان کرده ام و چاپ شده: از اول خلقت تا آخر خلقت دو راه موازی با هم وجود داشته است و دارد و خواهد بود. راه شیطان و راه خداوند متعال. این دو راه همیشه هست یک راه هدایت است و یک راه



راه ضلالت است. لذا باید در هر زمانی برای هدایت بشر امامی وجود داشته باشد. که حدیث را خواندم و حدیث دیگری می خوانم.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَالَ: وَ اللَّهُ مَا تَرَكَ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبْضِ اللَّهِ آدَمَ (از روز اول تا به حال تا به قیامت) إِلَّا وَ فِيهَا إِمَامٌ يُهْتَدَى بِهِ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَ لَا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ.

این روایت کاملاً صراحت دارد که نمی شود محال است عقلاً و برهانا که زمین خالی از حجت باشد. علاوه بر نصوصی که در کتاب و سنت داریم.

قبل از همه این ها خود قرآن مجید وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ که در روایت معتبر داریم که ائمه که جعلشان خدایی است از نسل امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا هستند. که اولین آنها امیرالمؤمنین و آخرینشان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

در دعای چهل و هفتم که دعای حضرت بوده است در روز عرفه، دقت کنید که زمان و مکان چقدر مدخلیت دارد. زمان مکان و دعا از امام سجّاد علیه الصلاة والسلام.

در آنجا حضرت ابتدا حمد الهی را شروع می کنند.

تذکر این نکته لطیف است: هرگاه از خداوند متعال چیزی بخواهیم، اول باید حمد الهی کنیم و خداوند متعال را به اوصاف خودش یاد کنیم، دوم صلوات بر پیغمبر و آتش بفرستیم، و بعد حاجتمان را بخواهیم. این سیره اهل بیت علیهم الصلاة والسلام بوده است و سنتشان در دعاهایشان بوده که به ما یاد می دهند.

به دعای کمیل مراجعه کنید ببینید چگونه شروع می شود؟ به دعای افتتاح که در شب های ماه رمضان خوانده می شود مراجعه کنید ببینید چگونه شروع می شود؟ این از آداب دعا کردن است.

لذا یکی از برکات ائمه اطهار علیهم السلام بر امت، یاد دادن کیفیت حرف زدن با خداوند متعال است. اصلاً با خداوند متعال چگونه باید حرف بزنیم؟ با خداوند متعال چگونه باید ارتباط برقرار کنیم؟ این در مکتب اهل بیت علیهم السلام است و در جای دیگر پیدا نمی شود. این هم یکی از هدایت هاشون است که برای هدایت نصب شده اند، یکی از هدایت هایی که کرده اند این مسئله است.

در دعای روز عرفه امام علیه الصلاة والسلام ابتدا حمد الهی و اوصاف خداوند متعال را بیان می کنند. بعد ذکر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سلام و صلوات بر آن حضرت، بعد می فرمایند:



رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظْتَ دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حُجَجَكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلُوكَ إِلَيَّ جَنَّتِكَ.

ظاهراً هفت مقام برای ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام در این مقطع و فراز وجود دارد.

رَبِّ صَلِّ اولاً چرا حضرت کلمه رب را اینجا استفاده کردند؟ اللهم نفرمودند یا رحمان نفرمودند؟ یا رحیم نفرمودند؟ رب در اینجا چه تأثیری دارد؟

رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ. أطيب جمع اطيّب است. مثل افاضل که جمع افضل است. اکرام جمع اکرم است.

أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِهِ اضافه وصف موصوف. کدام اهل بیت مراد است؟ اوصاف شروع می شود:

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ. کسانی که آنها را اختیار کرده‌ای برای امرت. حال اختیار یعنی چه؟

در لغت عرب و قرآن و روایات اختیار داریم اصطفااء داریم اجتباء داریم اما به نظر می رسد که اختیار معنای

دقیق تری داشته باشد از بقیه. که بیان خواهیم کرد. الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ. اهل بیت کسانی هستند که آنها را اختیار

کرده‌ای برای امر الهی. امر الهی چیست؟

وَ جَعَلْتَهُمُ خَزَنَةَ عِلْمِكَ جعل کرده است خداوند اهل بیت علیهم السلام را قرار داده است آنها را.

از اول بعثت تا به امروز و تا روز قیامت حافظین امت اهل بیت علیهم الصلاة والسلام و اصحابشان شاگردانشان و

تربیت شدگان شون اینها هستند که حافظین دین هستند.

وَ حَفَظْتَ دِينِكَ آن خط دومی که عرض کردم که در طول تاریخ دو قطعه موازی وجود داشته است و دارد، آنها

کسانی اند که بر علیه دین هستند. آنها مخربین دین هستند.

امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام همراه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند و بعد از پیغمبر اکرم صلی الله

علیه و آله و سلم و بعد حسنین علیهما السلام همین امام سجاد علیه الصلاة والسلام و تا آخر حضرت ولیعصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف که یملاً الله به الأرض قسطاً وعدلاً بعد ما ملأت ظلماً وجوراً.

خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ اهل بیت علیهم السلام خلفای خداوند متعال بر روی زمین هستند. اگر بنا بود دقت شود که اگر

بنا بود که خداوند متعال جسم باشد، اگر بنا بود که خداوند متعال جسم باشد، جانشین خداوند متعال در این عالم که

عالم ملک هست، ائمه اطهار علیهم السلام بودند. خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ.

حُجَجَكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ معنای حجت باید بیان بشود تا فهمیده شود.

وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ اشاره به آیه تطهیر دارد.



وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ أُنْهَائِيْ كِه مِي خِوَاهَنْد بِه سَمْت خِدَاوَنْد حِرْكَت كَنْد؛ اَنَهَا كِه مِي خِوَاهَنْد دَر مَسِيْر خِدَاوَنْد مِتْعَال بَاشَنْد بَايْد اَز اِيْنجَا حِرْكَت كَنْد. رَا اِيْن اَسْت وُ جَز اِيْن رَا ه دِيْغِرِيْ وُجُود نِدَاْرَد.

وَالْمَسْلُكُ اِلَى جَنَّتِكَ. مَسْلُكٌ يَعْني اَنْ طَرِيْقِيْ كِه اَنْسَان دَر اَنْ حِرْكَت پِيْدَا مِي كَنْد سَلُوكٌ پِيْدَا مِي كَنْد. سِيْر وُ سَلُوكٌ بِه سَمْت بَهْشْت كِه نِجَات اٰخِرْت بَاشْد وُ وِرُود دَر بَهْشْت، بَايْد دَر مَسِيْر اَهْل بَيْت عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامٌ بَاشْد. اِنْ شَاءَ اللهُ دَر جِلْسِه اَيْنْدِه شُرُوع مِي كَنْيْم شَرْح اِيْن فِرَاز رَا وُ اِدَاْمِه مِي دِهِيْم شِنَاخْت اَهْل بَيْت وُ اِمَامْتَشَان رَا اَز دَعَايِ حَضْرَت، تَا بَعْد بِيْنِيْم حَضْرَت رَا جِع بِه صَحَابِه چِه فَرْمُودَنْد.

وَالسَّلَامُ عَلَيكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ